

«مقاله پژوهشی»

تبیین جمعیت‌شناسی شیراز در دوره ایلخانان مغول (۶۲۳ ق-۷۳۶ ق)

علی بحرانی پور^۱، لیدا مودت^۲، علی توکلیان^{۳*}

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

۳. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

تاریخ دریافت: (۱۴۰۰/۰۲/۱۱) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۰/۰۵/۲۳)

Explanation of Shiraz demography in the Mongol period (623 AH-736 AH)

Ali Bahranipour¹, Lida Mavadatt², Ali Tavakolian^{3*}

1. Associate Professor, Department of History, Shahid Chamran university of Ahvaz, Ahvaz, Iran
2. Assistant Professor, Department of History, Shiraz university, Shiraz, Iran
3. Ph.D. student, Shahid Chamran university of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Received: (08-14-2021)

Accepted: (05-01-2021)

Abstract

One of the most important consequences of the invasion and conquest of Iran by the Mongols in the 7th century of Hijri (13 AD) was the drastic population fluctuations in different states. In the meantime, Shiraz, as the capital of Pars state under the command of Atabakan Fars, despite the lack of political unity and internal division, was able to escape the Mongol invasion and its consequences. This article aimed to investigate the population structure and the factors affecting the growth and decline of the Shiraz population in a descriptive and analytical method based on library and field studies of cemeteries. The findings of this study show that until the time of Atabak Abu Bakr, Shiraz witnessed an increase in population due to the influx of immigrants from big cities affected by Mongol attacks and internal security. But wars and insecurity that occurred after Atabak Abu Bakr, the attacks of Nekodrian (677 and 680 AH), famine (680 AH), and infectious diseases (698 AH), etc. reduced the population of Shiraz and the population began to decline. However, it was crowded and prosperous during the time of Abu Ishaq Inju (752-725) and Ibn Battuta Shiraz.

Keywords: Demography, salghurids, Mongols, Shiraz, Migration.

چکیده

یکی از مهم‌ترین پیامدهای یورش و استیلای مغولان بر ایران در قرن هفتم هجری (۱۳م) نوسانات شدید جمعیتی در ایالت‌های مختلف بود. در این میان شیراز به‌عنوان مرکز ایالت پارس در زیر فرمان اتابکان فارس، علی‌رغم نبود وحدت سیاسی و تفرقه داخلی توانست از یورش ویرانگر مغول و تبعات ناشی از آن در امان بماند. این مقاله بر آن است تا ساختار جمعیتی و عوامل تأثیرگذار بر رشد و کاهش جمعیت شیراز را به روش توصیفی تحلیلی و براساس اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی (گورستان‌ها) بررسی کند. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که شیراز تا روزگار اتابک ابوبکر به‌دلیل هجوم مهاجران از شهرهای بزرگ آسیب‌دیده از حملات مغولان و امنیت داخلی شاهد افزایش جمعیت بود. اما جنگ‌ها و ناامنی‌ها پس از اتابک ابوبکر رخ داد. حملات نکودریان (۶۷۷ و ۶۸۰ ق)، قحطی (۶۸۰ ق) و بیماری‌های واگیردار (۶۹۸ ق) و... از میزان جمعیت شیراز کاست و جمعیت سیر نزولی گرفت اما در زمان ابواسحاق اینجو (۷۵۲-۷۲۵). ابن بطوطه شیراز را پرجمعیت و پررونق یافت.

واژه‌های کلیدی: جمعیت‌شناسی، سلغریان، مغولان، شیراز، مهاجرت

مقدمه

آگاهی از جمعیت در شهرهای تاریخی و برآورد کم‌وکیف آن هرچند به دلیل کمبود اسناد و داده‌های تاریخی بسیار پیچیده و همراه با احتمال و تخمین است ولی پژوهش در این زمینه می‌تواند به روشن شدن زوایای بسیاری از مسائل تاریخی کمک کند. شهرهای پرجمعیت در دوره‌های مختلف تاریخی در ایران تحت تأثیر حوادث تاریخی، نوسانات و تحولات جمعیتی بسیاری را از سر گذراندند. یکی از این شهرها شهر شیراز است که از همان دوره باستان با تأسیس دو امپراتوری بزرگ ایرانی یعنی هخامنشیان و ساسانیان در ایالت پارس - که شیراز بخشی از آن بود - اهمیت خود را در تاریخ ایران نشان داده بود. با ورود اسلام به ایران و آغاز توسعه شهرنشینی در دوره اسلامی، شیراز بیش از شهرهای دیگر رو به توسعه نهاد. در دوره دیلمیان، شیراز حکومتی واحد و قلمروی متحد داشت؛ بخصوص در دوره فرمانروایی عضدالدوله دیلمی (۳۳۸-۳۷۲ق) شیراز به واسطه کشاورزی، تجارت زمینی و دریایی و امنیت و آرامش، از اقتصاد پروتوقی برخوردار بود. شیراز دوره اتابکان سلجوقی ادامه همان دوره آل بویه بود. چنانکه در تقویم البلدان آمده است «شیراز شهری است نیکو و بزرگ. خانه‌های گشاده و جوهای پر آب دارد. بازارهای آبادان و بزرگ و پررونق است.» (ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۳۷۵) رشد تجارت و بازرگانی، توسعه کشاورزی و آبرسانی و ساخت باغ و بستان در این عهد، شیراز را به شهری در میان باغ تبدیل کرد. سلغریان (۵۴۳-۶۸۶ق) در تمام طول حکومتشان بر شیراز، با رقابت حکام محلی از جمله ملوک لر در شمال غرب قلمروشان و قیصریان در خلیج فارس و شبانکارگان در شرق فارس نیز روبه‌رو بودند (نسوی، ۱۳۸۴: ۴۹). با وجود این کشمکش‌ها، با به قدرت رسیدن اتابک سعد و جانشینش اتابک ابوبکر که همزمان با یورش مغولان بود، شیراز از امن‌ترین و آبادترین مناطق به شمار می‌رفت (همان: ۹۵). اتابک ابوبکر بن سعد با ابراز تابعیت نسبت به خان مغول اوکتای قآن (وصاف، ۱۳۳۸: ۱۵۶؛ جوزجانی، ۱۳۴۲: ۲۷۳؛ همدانی، ۱۳۳۸: ۷۶) از حمله مغول‌ها به شیراز جلوگیری کرد. بدین ترتیب، مناسباتی توأم

با همزیستی میان حکومت اتابکان فارس و مغولان شکل گرفت که بر اساس آن در مقابل خراج‌گزاری به مغول‌ها، استقلال داخلی اتابکان فارس حفظ و از حاکمیت مستقیم مغول‌ها در جنوب ایران ممانعت شد. یکی از موضوعات مهم این دوره شهر شیراز، بحث نوسانات جمعیتی آن با توجه به تحولات پیچیده تاریخی است. بنابراین سؤال اصلی مقاله حاضر این است که ترکیب و تغییرات جمعیتی شیراز در دوره مغولان چگونه بوده است و چه عواملی بر کاهش یا افزایش جمعیت شیراز در این دوره تأثیر گذاشت؟ فرضیه اصلی این است که جمعیت شیراز در این دوره دچار نوسان بوده به این شکل که در دوره اتابک ابوبکر (۶۲۳-۶۵۹ق) به دلیل امنیت، رونق تجارت و کشاورزی، جمعیت شیراز به بیشترین حد خود رسید. اما پس از مرگ وی (به دلایل ناامنی، هجوم نکودریان و ...) جمعیت، سیر نزولی گرفت. در مورد موضوع مذکور در کتاب‌ها و مقالات مختلف، اطلاعات و مطالبی جسته‌وگریخته وجود دارد. به‌عنوان مثال دنیس ایگله در کتاب فرانسوی فارس در حاکمیت مغولان نقش هر قوم را در تاریخ فارس تحلیل کرده و در این میان به جماعات بومی و مهاجر پرداخته است. کتاب شیراز در عصر حافظ اثر جان لیمبرت در تحلیل تاریخ اجتماعی شیراز و گروه‌های اجتماعی اش (سادات، اصناف و ...) تحقیقی دقیق و موشکافانه است. فارسیان در برابر مغولان اثر عبدالرسول خیراندیش، اثر دیگری است که مؤلف اشاره‌ای به جماعات عرفای معروف شیراز، خاندان‌های قضات شیراز و ... دارد. حمیده امیری در پژوهشی با عنوان «سیمای شهری شیراز از آغاز حکومت سلغریان تا پایان آل مظفر» این شهر را از جهات گوناگون مورد بررسی قرار داد که یکی از مهم‌ترین موضوعات، بحث محلات و گروه‌های جمعیتی آن بوده است. مقاله «اصناف و صنایع در بازار شیراز در سده‌های هفتم و هشتم قمری» اثر علی بحرانی‌پور، ترکیب جمعیتی و صنفی (پیشه‌وران صنعت مروارید، منسوجات و ...) شیراز در قرون موردنظر را مورد بررسی قرار داده است. سیدابوالفضل رضوی نیز در بخشی از کتاب شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایخانان به مسائل جمعیتی این شهر پرداخته است.

دروازه‌ها افزوده شده است؛ و این به معنای وسعت یافتن شهر و افزایش جمعیت شیراز است.

بافت جمعیتی کوی‌ها و محلات، در تاریخ میانه، عموماً قومی، خونی، مذهبی و یا صنفی بوده است. حمدالله مستوفی در *نزهت‌القلوب* شیراز را دارای هفده محله می‌داند، اما از محلات نامی نمی‌برد. با بررسی *شیرازنامه*، *شدالآزار* و کتابچه *املاک اینجویی* فارس نام این محلات را می‌توان به شرح زیر استخراج کرد: «محله باغ، محله بالاکفت، محله باغ قتلغ، محله باغ‌نو و محله گچ‌پزان، محله سراجان، محله دشتک، محله پالانگران، محله درب سلم، محله دزک، محله پیراسته، محله بالارود، محله شیراز، محله مقاریضی، محله دروازه کازرون، محله درب اصطخر و محله نامدار. محلات، دارای بافتی درهم‌تنیده از کوچه‌های درون محله بودند که با یک یا چند کوچه اصلی و پهن‌تر به سایر محله‌ها مرتبط می‌شدند. محلات دارای کدخدا یا رئیس بودند» (زرین‌کوب، ۱۳۷۸: ۳) بنا به گفته نویسنده *شدالآزار* در زمان اتابک ابوبکر «مردم به قلمرو او رو آوردند تا آنجا که بازارها و راه‌ها از جمعیت پر شدند و شهر با کمبود مسکن روبه‌رو شد. پس اتابک دستور داد در سمت قبله شیراز بناهایی بسازند و در آنجا مساجد و گرمابه‌ها ساختند» (جنید شیرازی، ۱۳۲۸: ۲۱۹).

از لحاظ جمعیتی یکی از معروف‌ترین محلات شیراز در قرون پنجم تا نهم قمری محله باغ نو بوده است. وجود اماکن مقدس متعدد، مقابر علما و بزرگان از جمله شیخ روزبهان بقلی (زرکوب، ۱۳۹۰: ۱۷۷)، بقعه ابوزرع (همان: ۱۴۴) و به‌ویژه گورستان مشهور باغ نو دلیل این اهمیت است. همچنین خاندان بزرگ باغ نو در این محله زندگی می‌کردند. (زرکوب ۱۳۹۰: ۲۸۰ و ۲۸۱) محله درب اصطخر از محلات مهم و معروف شیراز در قرون ششم تا نهم قمری است. علت شهرت این محله به علت نزدیک بودن به دروازه اصطخر است (افسر، ۱۳۷۴: ۱۶۵). دلیل دیگر اهمیت این دروازه نزدیکی آن به مکان‌های مهم تاریخی و مذهبی و تفرجگاهی بوده است. محله دروازه کازرون از محله‌های مهم در قرون هفتم تا نهم قمری بود که به دلایل گوناگون با اهمیت بوده است. نخست اینکه در کنار و نزدیک به دروازه کازرون واقع بود که از

هرچند در این منابع اطلاعاتی جزئی از جمعیت شهر شیراز وجود دارد ولی تاکنون پژوهش مستقل و جداگانه‌ای که جمعیت‌شناسی شیراز در دوره مغولان را بررسی کند، به رشته تحریر درنیامده است. بنابراین پژوهش حاضر تلاش دارد تا به روش توصیفی تحلیلی و با گردآوری اسناد تاریخی و تحقیقات میدانی این موضوع را مورد بررسی و واکاوی قرار دهد.

جمعیت شیراز در دوره مغولان: ترکیب و تغییرات جمعیتی
به‌طور کلی در مورد جمعیت شیراز در دوره مغول اطلاعات آماری دقیقی وجود ندارد. ولی برای درک میزان جمعیت می‌توان با استناد به تعداد دروازه‌ها و محلات شهر، بازارها، خادمان و خدمتگزاران، حضور عرفای پرتطرفدار، خاندان‌های دیوان‌سالار، طبقات اجتماعی، میزان مالیات و تعداد قیام‌کنندگان به اطلاعاتی دست یافت.

شهرها در ولایات ایران در این دوره از چهار مرکز اجتماعی تشکیل شده بودند: «محلات بزرگان و اشراف؛ مدارس و خانقاه درویشان و نهادهای دینی و مذهبی؛ بازار و کاروانسراها و تجار بزرگ؛ و محلات پیشه‌وران و اصناف آنان و خرده‌فروشی‌ها». اغلب، مدارس و خانقاه‌ها و نهادهای دینی محل ارتباط این مراکز بود که در آنجا بزرگان دین و سیاست با ارباب حرف و اهل تجارت، ارتباط برقرار می‌کردند.

شیراز در دوره سلجوقیان و سلغریان توسعه زیادی یافت و به همین روی، محلات و دروازه‌های آن اهمیت بیشتری پیدا کرد. نخستین اطلاعات موجود درباره دروازه‌های شیراز مربوط به قرن چهارم و نوشته مقدسی است: «شیراز هشت دروازه دارد که عبارتند از استخر، شوشتر، بند آستانه، غسان، سلم، کوار، مندر و دروازه کهندر» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۴۱).

حمدالله مستوفی تعداد دروازه‌های شیراز را نه دروازه می‌داند «دروازه اصطخر، دروازه دراک موسی، دروازه بیضا، دروازه کازرون، دروازه سلم، دروازه فسا، دروازه باب نو، دروازه دولت و دروازه سعادت» (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۳۷). از مقایسه دروازه‌های دوره آل‌بویه (۴۴۸-۳۲۱ق) و اواخر عهد اتابکان (۶۸۶-۵۴۳ق) معلوم می‌شود که یک دروازه به تعداد

قبرستان مصلی از معروف‌ترین قبرستان‌های شیراز در طول تاریخ بوده است. در قرون ششم تا هشتم قمری این قبرستان اهمیت خاصی داشته است. اشعار حافظ بیانگر آن است که در عصر وی خاک مصلی از گلگشت‌های مهم برای اهالی شیراز بوده است؛ چنانکه می‌گوید:

بده ساقی می باقی که در جنت نخواهی یافت

کنار آب رکناباد و گلگشت مصلی را

(حافظ، ۱۳۷۲: ۲۰)

امنیتی که حاصل درایت اتابکان سلجوقی و سلغری بود به رشد تجارت و به دنبال آن رشد بازار کمک کرد. سلغریان با ساخت بازارهای جدید، هم به رونق اقتصادی شهر شیراز کمک کردند و هم شکل بازار تاندازه‌ای تغییر کرد و از این زمان راسته‌های جدیدی در کنار بازار به وجود آمد. ساخت این راسته‌ها بیانگر رشد شهر، افزایش جمعیت و رفت‌وآمد بیشتر به شیراز بوده است. در زمان دیدار ابن بطوطه (۷۴۵ ق) شهر چندان جمعیت داشت که در مجالس وعظ شهر در روزهای دوشنبه و پنجشنبه تنها تعداد زنان حاضر، به یکی - دو هزار نفر می‌رسید.^۱ به‌طورکلی شیراز شهری خوش آب‌وهوا و آباد با خانه‌هایی بزرگ و جوی‌های آب در میان آن‌ها و بازارهای بزرگ و آباد بوده است. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲۵۰).

شیراز این دوره متأثر از فعالیت‌های طبقه اعیان است که کم هم نبوده‌اند. به قول نویسنده شمس و طغراء این شهر بهشت‌گونه آکنده از علمای متبحر و متفکر و عرفای محقق و امرای باشوکت و شأن و خواجهگان باآبرو و جاه و تجار پرمایه و ثروت و اعیان صاحب‌ملک و مکتب ... بود. (خسروی، ۱۳۷۴: ۷) خاندان مقاریضی یکی از خاندان‌های فوق بود. سرسلسله این خاندان امام محمد بن عبدالرحمن المقاریضی (م. ۴۱۱ ق) بود (زرکوب، ۱۳۱۰: ۱۰۱). خاندان ادیب صالحانی نیز از بزرگان علمای اهل سنت بودند که در شیراز احترام بسیاری نزد مردم و اعیان شهر داشتند. خاندان روزبهانی یکی دیگر از این خاندان‌ها بودند و یکی از نام‌آوران

قدیمی‌ترین دروازه‌های شیراز بود. دوم اینکه به دروازه سلم یا درب سلم نزدیک بود و وجود قبرستان بزرگ و قدیمی دارالسلم در آنجا موجب اهمیت این دروازه شده بود.

گورستان‌ها نمادی از گذشته و تاریخ‌اند. گورسنگ‌ها، این مجموعه‌های تاریخی، حاوی اطلاعاتی از جمله مبدأ تاریخ پیدایش شهر، افزایش جمعیت و گاه حتی یادآور بیماری‌های هولناک در دوره زمانی خاص‌اند. مهم‌ترین قبرستان‌های شیراز در قرون ششم تا هشتم قمری همان قبرستان‌هایی است که شیخ جنید در کتاب خود آورده است. این قبرستان‌ها عبارت‌اند از: ۱. قبرستان شیخ کبیر؛ ۲. قبرستان باهلیه؛ ۳. قبرستان دارالسلم؛ ۴. قبرستان ام‌کلثوم و شیرویه؛ ۵. قبرستان باغ نو ۶. قبرستان عتیق و ۷. قبرستان مصلی (جنید شیرازی، ۱۳۲۸: ۱۱).

از قرن سوم و به‌ویژه پس از حکمرانی عضدالدوله در شیراز، مردم مزار ام‌کلثوم را همچون قبرستانی مهم و معروف می‌شناختند. دفن تعدادی از علما و بزرگان در این قبرستان بر اهمیت آن نزد مردم و حاکمان افزود. تا جایی که در دوره اتابکان سلجوقی و سلغری این گورستان به‌واقع مهم‌ترین گورستان از سوی این حکام شد و در اطراف آن مدارس و مساجد و رباط‌های زیادی ساختند (عیسی بن جنید، ۱۳۶۴: ۳۶۶). قبرستان دارالسلم یا دارالسلام یکی از قدیمی‌ترین قبرستان‌های اسلامی در جهان اسلام و ایران و قدیمی‌ترین قبرستان شیراز است. این پهنه مدفن صدها تن از علما، عرفا، مشاهیر، هنرمندان و دانشمندان بزرگ بوده است (جنید شیرازی، ۱۳۲۸: ۱۳۲۰؛ عیسی بن جنید، ۱۳۶۴: ۱۷۵۰). مسجد جامع عتیق قدیمی‌ترین مسجد فارس و دومین مسجد قدیمی ایران پس از مسجد دامغان است. در قبرستان عتیق افراد بزرگ و معروفی از جمله امامزادگان مدفون‌اند. افرادی همچون ابو عبدالله سیدامیراحمد بن امام موسی‌الرضا، امامزاده امیرمحمد بن موسی برادر امیر سید احمد، قاضی شرف‌الدین محمد، شیخ عقیف‌الدین بنجیر بن عبدالله الخوزی، شیخ سراج‌الدین محمود خلیفه و شیخ ابو عبدالله احمد مقری.

۱. هرچند این تعداد، اندکی اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد ولی بیانگر تعداد زیادی از جمعیت زنان است

به لحاظ جمعیت‌شناسی خانقاه یا مرکز تجمع صوفیان در آغاز تأسیس خود، محلی برای سکونت و تغذیه درویشان مقیم و مسافر بوده است (کیانی، ۱۳۶۹: ۶۳). در خانقاه سه گروه حضور داشتند ۱. پیر و مرشد؛ که ریاست خانقاه را بر عهده داشت ۲. مریدان؛ که تعالیم صوفیه را از مرشد فرا می‌گرفتند و ۳. خادمین؛ که برای تبرک و ثواب اخروی به صوفیان خدمت می‌کردند. فرض بر این است اگر در هر رباط حدود ۱۰۰ نفر زندگی می‌کردند، در مجموع حدود ۳۴۰۰ نفر در این رباط‌ها سکونت داشته‌اند. خانقاه‌های معروف شیراز در قرن هفتم و هشتم هجری عبارت‌اند: خانقاه شیخ ابراهیم بوریایی، خانقاه شیخ جمال‌الدین حسین بن محمد معروف به سرده، خانقاه رکن‌الدین، خانقاه شهاب‌الدین، خانقاه فقیه صائِن‌الدین، خانقاه شیخ عزالدین مسعود و خانقاه شیخ نجیب‌الدین علی بن بزغش. بدین ترتیب می‌توان فرض کرد که اگر هر خانقاه به‌طور میانگین ۵۰ نفر ظرفیت داشته است، می‌توان جمعیتی حدود ۳۵۰ نفر را برای هفت خانقاه ذکر شده تخمین زد.

طبقات عامه شیراز تاجران خرده‌پا، صاحبان حرف و پیشه‌وران در زمره عامه بودند. بیشتر پیشه‌وران یک حرفه به‌خصوص، البته نه همیشه، در همان محله می‌زیستند. در هر شهری محلاتی وجود داشت که در آن‌ها ابریشم‌تابان، حلاجان، سراجان (عیسی بن جنید شیرازی، ۱۳۶۴: ۲۲)، کفش‌دوزان (همان: ۳۸۵)، کلاه‌دوزان (زرکوب، ۱۳۹۰: ۱۰۸)، رنگرزان، کوزه‌گران، گیوه‌دوزان (همان: ۱۷۱)، پالانگران (همان: ۳۲۴)، رویگران (همان: ۳۶۹) زندگی می‌کردند.

وصاف در بخشی که به شیوه مالیات‌گیری دوره اتابک ابوبکر می‌پردازد، گزارشی از توسعه شهری و جمعیتی شیراز ارائه می‌دهد که مشخص می‌کند افزایش جمعیت و وسعت شهر شیراز در زمان اتابک ابوبکر در قیاس با دوره اتابک سعد تا چه اندازه بیشتر و بزرگ‌تر شده است: «روایت کنند در عهد اتابک سعید سعد بن زنگی آبادانی و تربیت و زینت شیراز از حیث خانه‌ها و قصرها و ازدحام خلاقیت دهیک آنچه اکنون هست نبوده است» (وصاف، ۱۳۸۳: ۹۶). با استناد به گزارش حمدالله مستوفی ضمان مالیات تمغای شیراز در اواسط قرن

آن‌ها شهاب‌الدین محمد بن شیخ روزبهان (م. ۶۰۵ق) بود. (زرکوب، ۱۳۱۰: ۱۱۶). خاندان زرکوب از خاندان‌های معروف شیراز در قرون هفتم و هشتم قمری‌اند. خاندان الیاسی یکی دیگر از خاندان‌های شیرازی بودند که در بیشتر علوم و به‌ویژه علم پزشکی اشتهار داشتند.

از لحاظ طبقات مذهبی در سده‌های هفتم و هشتم هجری غالب مردم فارس پیرو مذهب سنی و فقه شافعی بودند. حمدالله مستوفی که در سده هشتم هجری از فارس دیدن کرده، اوضاع مذهبی آنجا را چنین توصیف کرده است: «مردم شیراز بیشتر سنی شافعی مذهب‌اند و اندک حنفی و شیعی نیز می‌باشند.» (حمدالله مستوفی، ۱۳۳۱: ۱۳۸). ابن بطوطه از تعداد زیاد سادات در شیراز خبر می‌دهد و می‌نویسد: «شیراز از جمله شهرهایی است که سید زیاد دارد و من از شخص موثق شنیدم که عده سادات شیراز، آن‌ها که مستمری دارند، هزار و چهارصد و کسری است و نقیب آنان عضدالدین حسینی است.» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲۶۱).

درباره حضور گسترده عرفا در شهر شیراز نیز در منابع مختلف ذکری به میان آمده است. زرکوب شیرازی در ضمن حالات شیخ کبیر (ابن خفیف) می‌نویسد: «دویست نفر شیخ صاحب مکاشفه در شیراز معاصر او بودند و در هر قرن نیز بیش از دویست نفر وجود دارند.» (زرکوب شیرازی، ۱۳۱۰: ۹۴) نویسنده کتاب *سدا لایزار* این تعداد را به ۴۴۴ تن رسانیده است (جنید شیرازی، ۱۳۲۸: ۳). سعدی شیرازی هم به وجود بیش از هزار پیر و ولی اشاره می‌کند و در قطعه‌ای در این باب می‌نویسد:

«هزار پیر و ولی پیش باشد اندر وی / که کعبه بر سر ایشان می‌کند پرواز» (سعدی، ۱۳۸۵: ۱۰۸۵).

در کتاب *سدا لایزار* نام سی‌ودو رباط و بیست خانقاه و دوازده زاویه و تعدادی بقعه و حظیره و تربت و جز آن در صفحات مختلف آمده و متعلق به مشایخی است که از قرن چهارم تا هشتم هجری در شیراز می‌زیسته‌اند. در کتاب *شیرازنامه* زرکوب هم که در حدود سال ۷۳۴ هجری تألیف شده، تعداد سی‌وچهار رباط و خانقاه و یازده بقعه و مزار و حظیره معرفی شده است (کیانی، ۱۳۶۹: ۲۱۰).

هشتم چهارصد و پنجاه‌هزار دینار در سال بوده است (مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۳۹). از لحاظ تحلیل جمعیتی فرض بر این است که اگر هر خانوار به‌طور متوسط از هفت نفر تشکیل شده بود و هر خانوار دو نفر شاغل (دو دینار مالیات می‌دادند) داشته است، بدین ترتیب می‌توان حدس زد تعداد سکنه شیراز در آن دوره حدود ۷۸۰۰۰۰ نفر بوده است. البته این عدد بایستی شامل قبایل حومه شیراز اعم از اردوهای ترکمانان و مغولان از قبیل هزاره شادی بوده باشد و جمعیت متحرک و غیردائمی شیراز نیز در آمار به شمار آمده باشد. همین شناور بودن درصدی از جمعیت، موجب دشواری در محاسبه جمعیت نهایی شیراز می‌شود.

بنابراین جمعیت فارس در دوران مغول و ایلخانان را با مؤلفه‌هایی همچون قبرستان‌ها و علم مزارات، خاندان‌های پرنفوذ، محله‌ها و دروازه‌های شهر، خانقاه‌ها و دروایش، اقلیت‌های دینی، محله‌های مشاغلی پیشه‌وران و بازاریان، گروه‌های اجتماعی همچون فتیان و سادات و ... می‌توان بررسی کرد و از آن نتیجه گرفت که جمعیت فارس در این دوران دارای فراز و نشیب زیادی بوده است و در زمان آرامش و امنیت، جمعیت افزایش و در زمان جنگ و قحطی کاهش داشته است.

عوامل تأثیرگذار بر رشد جمعیت شیراز

بررسی جمعیت و شناخت تغییرات آن در هر جامعه، به واکاوی مناسبات بین جمعیت و اجزای نظام اقتصادی اجتماعی حاکم بر جامعه نیاز دارد.

الف) مهاجرت اقوام و گروه‌ها به شیراز

مهاجرت‌های همزمان با هجوم مغول و استقرار حکومت ایلخانی در ایران، موجب ورود جمعیت تازه به شیراز شد. گروه‌ها و افرادی که به شیراز مهاجرت کردند به دو گروه تقسیم می‌شدند؛ گروه اول، مهاجران مغول و ترکی بودند که پس از فتح ایران از شرق به مناطق تسخیر شده وارد می‌شدند. قبایل ایرانی و قبایل ترکمن به‌طور سنتی حمایت خود را از قدرت موجود در شیراز به ارمغان می‌آوردند و این امر را

می‌توان در درگیری‌های بین سلغوریان و ارتش مغول مشاهده کرد که جمعیت حومه شیراز و اردوهای اطراف را افزایش داد (Aigle, 2005: 189). گروه دوم، شامل گروه‌های بومی بودند که به خواست خود یا به‌اجبار مغولان به شیراز مهاجرت می‌کردند. از مشخصه‌های ایران در قرن هفتم هجری کوچ گروه‌های تازه‌ای از صحراگردان ترک و مغول و به دنبال آن افزایش دامداری و زندگی صحرائشینی و خانه‌به‌دوشی بود که تا سال‌ها ادامه داشت (پطروشفسکی، ۱۳۸۰: ۴۵۵/۵). مغولان در نواحی تابعه مانند فارس و کرمان و هرات نمایندگانی موسوم به «باسقاق» مستقر کرده بودند که نیروی نظامی اندکی همراه با خانواده‌هایشان با آنان بوده است (وصاف، ۱۳۳۸: ۱۹۲). استقرار نیروهای نظامی مغول بیش از هر نقطه دیگری از جنوب در فارس مشاهده می‌شود به طوری که در دوره آتش‌خاتون حضور عناصر نظامی مغول در فارس بیشتر شد؛ چه مغولان یاغی، یعنی نکودریان و چه شحنه‌های مغول که مورد مشخص آن اعزام هزاره شادی به فارس بود (خیراندیش، ۱۳۹۴: ۱۳۲).

از جمله اقوامی که در فارس سکنی گزیدند قوم سلدوس و اورلات بودند. تعداد قابل توجهی از قوم سلدوس به همراه هلاکو به ایران آمدند (رشیدالدین، ۱۹۶۵: ۴۵۴). از مشهورترین سرکردگان این قوم سوغونجاق نوین بود که مدتی در فارس حکومت کرد (جمال‌الدین احمد ابن عنبه، ۱۳۶۳: ۱۷). تعدادی زیادی از قوم اورلات نیز در دولت ایلخانی صاحب‌مقام بودند. بزرگ آنان نوداجو بود که یاروغچی بوده است. پسر او ایشناکی سفیر دولت ایلخانی در دربار قویلای شد (رشیدالدین، ۱۹۶۵: ۲۲۳). التیمور از امرای هزاره و برادرش مسعود شحنه شیراز نیز از این قوم بودند.

مهاجرت نخبگان به شیراز: پس از هجوم مغولان بسیاری از علما، ادبا و مشایخ به شیراز مهاجرت کردند از جمله ابو عبدالله اسماعیل خراسانی (وفات ۶۵۸ق) که در زمان اتابک ابوبکر به شیراز آمد (زرکوب، ۱۳۵۰: ۱۳۰). دیگری حکیم افضل بامیانی که به دعوت اتابک سعد راهی شیراز شد. بامیانی تا پایان عمر در شیراز زندگی کرد (قزوینی، ۱۵۶: ۱۳۸۰). نویسنده بزرگ خراسانی، شمس قیس

بود، به صاحبانش بازگرداند (قیس رازی، ۱۳۹۴: ۱۲-۹). اراضی کشاورزی مساحی گردید و به منظور رفع کسری بودجه و پرداخت خراج به ایلخانان، روش نوین در مالیات راهداری مورد استفاده قرار گرفت. (همانجا) شیراز در روزگار اتابک سعد بن زنگی «مصر جامع» و مرکزی برای مبادلات تجار از اقصا نقاط جهان بود. (همدانی، ۲۷۸: ۱۳۷۵). چنانکه در اثر منظوم تاریخ فارس دفتر دلگشا آمده است روزی در هنگامه بزم اتابک سعد، بازرگانی از خراسان بر در بارگاه او حاضر شد وی بازرگان کالاهای چینی بود (صاحب، ۱۹۶۵: ۱۸).

در سال‌های ۶۷۰ق و ۶۷۸ق سوغونجاق نوین از جانب ایلخان مغول برای حکومت فارس فرستاده شد. وی هر بخش از سرزمین بزرگ فارس را به شخصی سپرد تا امور مالیاتی و انتظامی را عهده‌دار شود. این افراد با جمع‌آوری مالیات‌ها موجب رشد و ترقی شیراز شدند. زرکوب شیرازی در مورد نوبت حکمرانی سوغونجاق می‌نویسد: «در آن سال (۶۷۸ق) اتفاقاً امساک باران بود و خلایق عظیم مضطرب بودند و به قدوم او (سوغونجاق) حق سبحانه تعالی باران بفرستاد و خلق به‌غایت هواخواه او گشتند و او بنیاد معدلتی نهاده، بیخ جور و ظلم برکند» (زرکوب شیرازی، ۱۳۹۰: ۹۲). قدر مسلم کیش در تحولات اقتصادی فارس و روابط تجاری با کشورهای دیگر نظیر چین و هند و ترانزیت کالا از این کشورها به سلطانیه و سپس انتقال آن توسط تجار بزرگ به مغرب‌زمین نقش مهمی داشته است (مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۹۵). شیخ جمال‌الدین ابراهیم بن محمد بن طیبی، ملک‌الاسلام بزرگ خاندان طیبی که از سال ۶۲۹ تا ۷۲۵ق بر فارس و جزایر و بنادر خلیج فارس و دریای عمان حاکمیت تجاری بی‌رقیبی داشت، کیش را مرکز فعالیت‌های خود قرار داد و بازرگانی محدوده گسترده‌ای از خلیج فارس تا سواحل چین و هند و مالابار را در اختیار گرفت (زرکوب شیرازی: ۱۰۱-۹۹). «چنانکه هر متاع که از اقصای چین و بلاد هند به معبر هند آرند تا وکلا و گماشتگان او خواهند هیچ خریدار خواستار معامله نتواند بود و چون اموال حاصل شد آن را با جهازات خاصه به جزیره کیش آرند.» (وصاف، ۱۳۷۲: ۱۷۳).

رازی صاحب کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم به علت ترس از جان خویش و از سر نارضایتی خراسان را ترک کرد و راهی دربار اتابک سعد زنگی شد (رازی، ۱۳۴۰: ۹/۳). دیگری قاضی شرف‌الدین ابراهیم از بزرگان سادات خراسان بود. وی پس از چندی تصمیم به ترک خراسان گرفت و رهسپار شیراز شد. او در زمان حکومت آتش‌خاتون، دختر اتابک سعد، در شیراز زندگی می‌کرد (تثوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۶۰۲۷۹). خواجه مجدالدین، هبت الله بن احمد (یا محمد) همگر از شاعران پرآوازه قرن هفتم هجری است (کرمی؛ خادمی، ۱۳۹۱: ۲۵۶). درباره محل ولادت او اختلاف است؛ برخی محل تولد او را یزد و برخی شیراز و فارس دانسته‌اند (خادمی؛ کرمی، ۱۳۹۳: ۱۲۳). این از آن روست که وی اصالتاً از مردم یزد بوده ولی بخش اعظمی از زندگی خود را در شیراز گذرانده است (همگر، ۱۳۷۵: ۳۰).

ب) توسعه کشاورزی و تجارت و تأمین منابع آذوقه مورد نیاز شیراز

به عقیده سیف، در اقتصاد پیش از سرمایه‌داری بین رشد جمعیت و توسعه کشاورزی و تجارت ارتباطی دوسویه وجود دارد (سیف، ۱۳۹۴: ۷۲). شیراز، مرکز حکومت اتابکان نیز از رونق اقتصادی بالایی برخوردار بود؛ چراکه با راه‌های متعدد با سواحل خلیج فارس و دریای عمان ارتباط داشت. به این ترتیب دالان و گذرگاهی برای ورود و خروج کاروانیان از جنوب به مرکز ایران و بالعکس و مرکزی برای مبادلات تاجران از دورترین نقاط جهان بود.

در دوره اوج اقتدار سلغریان، یعنی دوران سعد بن زنگی و ابوبکر، اصلاحات و اقدامات مفیدی برای بهبود اوضاع اقتصادی صورت گرفت؛ از جمله پس از قبول تعهدات مالی در قبال مغولان، در دوره اتابک ابوبکر به نظام مالیاتی سروسامان داده شد و عمادالدین میراثی، صاحب دیوان انشا، مقررات جدید مالیاتی وضع کرد که به قوانین میراثی معروف شد (وصاف الحضرة، ۱۶۱-۱۶۲). همچنین، ابوبکر دستور داد مالیات‌های غیرضروری برچیده شوند؛ برای رونق کشاورزی نیز املاکی به ارزش صد هزار دینار را که متعلق به دیوان اعلی

ج) ایجاد امنیت به‌عنوان زیرساختی برای جذب جمعیت به شیراز از سوی اتابک ابوبکر

رفتار سنجیده ابوبکر با مغولان موجب شد تا وی از سوی هولاکوخان به لقب قتلغ‌خان مفتخر شود. شیراز در زمان اتابک ابوبکر بن سعد بسیار پیشرفت کرد تا آنجا که وی را می‌توان معروف‌ترین اتابک سلغری دانست. وصاف از وی با عنوان چراغ تابان خاندان سلغری یاد می‌کند (وصاف، ۱۳۳۸: ۱۵۵). اما دلیل اصلی شهرت اتابک ابوبکر بن سعد رفتار سنجیده وی با مغولان بود. وی سرداران و سپاهیان مغول را در خارج از دروازه شیراز اسکان داد و نیازهای آن‌ها را تأمین کرد و بدین‌وسیله از تعرض آن‌ها به شهر شیراز جلوگیری کرد و از غایت دوراندیشی اظهار ایللی کرد. مصون ماندن فارس از تعرضات ویرانگر مغولان به همراه نظم و امنیت و آبادانی فارس در عهد اتابک سعد بن زنگی و فرزندش ابوبکر تقریباً مقارن با دوران فترت بین هجوم چنگیزخان و آمدن هلاکو به ایران به‌عنوان یکی از پناهگاه‌های امن، مورد توجه اقشار مختلفی از ایرانیان قرار گرفت. می‌دانیم امنیت راه‌ها و فراهم آوردن امکانات رفاهی برای مسافران از ضروریات رشد و رونق تجارت است. در دوره اتابک سعد راه‌ها امنیت بیشتری یافت و اقتصاد و تجارت در فارس و خلیج فارس رونق بیشتری گرفت (زرکوب، ۱۳۹۰: ۹۶؛ خصیسی، ۱۳۴۳: ۸۰). شمس قیس رازی هم از تلاش اتابک در ایجاد امنیت و اهمیت قائل شدن او به طبقه علما و ادیبان یاد کرده است (قیس رازی، ۱۳۱۴: ۱۹-۸). وی در توصیف اوضاع فارس می‌نویسد: «کوه‌ها از متغلبان خالی شده و راه‌ها از متسلطان ایمن گشته، کاروان‌ها از اطراف و نواحی بی‌زحمت می‌آیند و می‌روند و برزگران در مواضع دوردست فارغ و آزاد تخم می‌کارند و می‌روند. (همان: ۱۲-۱۳). دوره سی‌ساله‌ای که خاندان طیبی در فارس و گاهی اضافه بر آن، عراق عرب، حکومت مالیاتی داشتند، از نظر آسودگی مردم می‌تواند یک دوره استثنایی به شمار آید. از این‌رو در اینجا و فقط برای خاندان طیبی اصطلاح «حکومت مالیاتی» به‌کاررفته است که تنها این خاندان از حاکمان فارس به‌واقع چنین موقعیتی داشتند، یعنی فقط اجاره - دار و جمع‌آوری مالیات و حواشی

آن بودند و دیگر امور مانند تأمین امنیت و امور نظامی را مأمورانی دیگر بر عهده داشتند.

عوامل تأثیرگذار بر کاهش جمعیت

مهم‌ترین عوامل کاهش جمعیت در این دوره را می‌توان جنگ و ناامنی، رخدادهای طبیعی همچون قحطی و خشکسالی، بیماری‌های واگیردار وبا و سرخچه، رکود کشاورزی و فشارهای مالیاتی عنوان کرد.

الف) جنگ و ناامنی

شیراز در دوره پس از اتابک ابوبکر بن سعد، گرفتار رقابت خونین دو گروه فرمانروایان و صاحب‌منصبان و مأموران مالیاتی بود. گروه اول که صاحب‌منصبان دیوانی، اشراف و اعیان محلی بودند که در رأس آنها آبش‌خاتون قرار داشت و گروه دوم امیران مغول بودند که شیراز را به مقاطعه می‌گرفتند و غالباً فارس را به‌عنوان سرزمینی تازه تصرف‌شده می‌دیدند که می‌بایست خراج آن به‌تمامی گرفته و به اردوی مغول فرستاده شود و به همین جهت هم در دوران فرمانروایی اتابک آبش‌خاتون که بیش از بیست سال هم به طول انجامید، فارس دوران بسیار متلاطمی داشت و به‌واقع کشمکش میان دیوان‌سالاران فارس و باسقاخان مغولی، علت اصلی آشفتگی‌ها در این دوران بود. بدین‌جهت امور مالی و اداری فارس سامان صحیحی نداشت چنانکه در سال ۶۶۵ق یکی از امرای مغول به نام شادی به همراه دمر که او نیز از مأموران دولت ایلخانی بود به شیراز آمدند. آنها وظیفه داشتند مالیات را جمع‌آوری کنند، اما توفیق چندانی نیافتند و اقدامات آنها برآشفتگی کارها افزود (وصاف: ۱۹۵-۱۹۴). در سال ۶۶۷ق با انتصاب امیری مغولی به نام انکیانو، حکومت فارس مستقیماً به دست مغول‌ها و وابستگان‌شان افتاد. (وصاف: ۱۸۶). سپس با اقدام ایلخان اباقا (حکومت ۶۶۳-۶۸۱ق) در مصادره بسیاری از املاک خاصه اتابکان، واگذاری آنها به دیوان مرکزی و برقراری رسم مقاطعه در فارس، درآمد این ولایت به خزانه مرکزی ایلخانان تعلق گرفت (همان: ۱۹۵ و ۲۱۱). بدین‌ترتیب، فارس از حکومتی محلی به یکی از استان‌های دولت ایلخانان تنزل یافت. از لحاظ جمعیت‌شناسی، جنگ و ناامنی تأثیرات گسترده‌ای بر حجم و

مرگ اتابک ابوبکر بن سعد شروع شد و با پیدا شدن توطئه‌ها و اختلافات و مداخلات حکام همسایه و مغولان حکومت سلغریان به ضعف کشیده شد.

قیام سید شرف‌الدین: در سال ۶۶۳ ق یکی از سادات شیراز به نام سید شرف‌الدین ابراهیم، رهبری یک قیام شیعی - صوفیانه را به عهده گرفت. این قیام نخستین قیام شیعی در عهد مغولان بود (میر جعفری، ۱۳۷۰: ۳۷). اما با حمله مغولان سید و علمایی که با او همراه بودند و همچنین تعداد زیادی از طرفداران او کشته شدند، هلاکو با شنیدن خبر این قیام، التاجر را که به قتل عام مردم شیراز پرداخته بود تنبیه کرد و درصدد فرستادن لشکری برای قتل عام مردم شیراز برآمد؛ اما با رسیدن خبر قتل سید شرف‌الدین و بی‌گناهی شیرازیان از این تصمیم منصرف شد. زرکوب شیرازی نکات خاصی را در مورد شورش قاضی شرف‌الدین نقل می‌کند که به شرح زیر است: «هواء حکومت شیراز محرض او گشت. فوجی از تراکمه و از هر صنف و طایفه با خود جمع کرد. با لشکری عازم استخلاص دارالملک شیراز از حدود شبانکاره در حرکت آمد و نیز اعتماد هرچه تمام‌تر بر علم کیمیا داشت... دعوی مهدی‌گری باعث محرض او گشت...» زرکوب شیرازی در ادامه می‌نویسد که از علمای شیراز شمس‌الدین عمر و نیز واعظ شیراز و جمعی دیگر از علما نیز به همراه او به قتل رسیدند (زرکوب شیرازی، ۱۳۹۰: ۸۹-۹۰).

هجوم مغولان نکودری به شیراز: دو بار هجوم مغولان نکودری به فارس در سال‌های ۶۷۷ و ۶۸۰ ق بر وخامت اوضاع افزود و استقرار امنیت و ثبات اقتصادی را ناممکن ساخت. هجوم نکودریان باعث کاهش جمعیت و مرگ و میر مردم و فرار نیروی انسانی شد. با وجود این که نکودریان وسایل قلعه‌کوب و آلات محاصره شهرها و حصارها را نداشتند، معمولاً در صحراها، کوه‌ها، راه‌ها، چراگاه‌ها، مزارع و کارگاه‌های واقع در حومه شهرها و روستاها دست به کشتار و غارت می‌زدند (کرمانی، ۱۳۶۲: ۹۲؛ بناکتی، ۱۳۷۸: ۶۲۶). در سال ۶۷۷هـ خبر رسید که مغولان نکودری در مسیر حرکت به طرف فارس مشغول غارت اموال هستند. دولتمردان ساکن شیراز تصمیم گرفتند لشکری به سمت

سایر ویژگی‌های جمعیت‌های انسانی داشته است. بدون تردید اولین و آشکارترین پیامد جنگ، تأثیر مستقیم آن بر حجم جمعیت و اندازه جمعیت است؛ زیرا تلفات انسانی ناشی از جنگ‌ها باعث کاهش حجم جمعیت می‌شود. بنابراین اگر از هر خانواده یک نفر کشته شده باشد، حدود یک‌پنجم جمعیت شیراز بر اثر جنگ و ناامنی کاهش یافته است. در ادامه به مهم‌ترین رخداد‌های تاریخی ناامن‌ساز شیراز که در این دوره موجب سیر نزولی جمعیت شد اشاره می‌کنیم:

قیام اتابک سلجوق‌شاه: برای درک بهتر میزان جمعیت شیراز در دوره مغول به دو قیام سلجوق‌شاه و سید شرف‌الدین در سال‌های ۶۶۲ ق و ۶۶۳ ق، حمله مغولان نکوداری و حمله دوا به شیراز اشاره می‌شود:

پس از مرگ محمدشاه، برادر بزرگ‌تر او سلجوق‌شاه که از زمان اتابک ابوبکر بن سعد به خاطر تمرد و سرکشی در قلعه اصطخر زندانی شده بود، توسط ترکان خاتون و جمعی از امرا به تخت نشانده شد. وی گروهی از امرا را کشت و با ترکان خاتون ازدواج کرد و خزاین او را به تصرف خود درآورد تا بیش از این به فتنه‌انگیزی نپردازد (وصاف، ۱۲۶۹: ۱۸۲). سلجوق‌شاه شبی در حال مستی دستور قتل ترکان خاتون را داد. به دستور سلجوق‌شاه مردم به سپاهیان مغول حمله کردند و خانه‌هایشان را ویران نمودند. (همان، ۱۸۶-۱۸۵). هلاکو لشکری به سرداری التاجو به سرکوبی سلجوق‌شاه روانه شیراز نمود. درنهایت جنگ سختی بین مغولان و همراهی یاران‌شان با اتابک سلجوق‌شاه درگرفت که سرانجام اتابک سلجوق‌شاه دستگیر و کشته شد. این واقعه در اواخر سال ۶۶۲ هجری در کازرون به وقوع پیوست. لشکرهای مهاجم، کشتار بسیار سختی از مردم کازرون و بقایای نیروهای سلجوق‌شاه انجام دادند. جسد کشتگان شهر کازرون را به داخل چاه مجاور خانقاه ریختند؛ عده زیادی را هم اسیر و برده کردند. (همان: ۱۸۶؛ زرکوب: ۸۹). عصیان سلجوق‌شاه بر علیه مغولان در واقع نتیجه دورانی از دگرگونی و ناآرامی اوضاع در فارس بود. با توجه به کشتار و قتل‌هایی که در این قیام صورت گرفته است باید گفت جمعیت شیراز از لحاظ کمی دچار نوسان نزولی شد. یعنی دورانی که با

حمله نکردند و پس از غارتگری در اطراف شهر به سمت کازرون رفتند. در کازرون جنگ بسیار شدیدی میان مردم و مهاجمان در گرفت با این حال آنها نتوانستند شهر را تصرف کنند و هر چه در اطراف شهر بود غارت کردند (وصاف، ۱۲۶۹: ۳۶۷-۳۷۱). این حادثه همانند دیگر اتفاقات ذکر شده با توجه به قتل و کشتارهای صورت گرفته باعث سیر نزولی جمعیت شد.

ب) بروز رخداد‌های طبیعی همچون خشکسالی و قحطی و به هم خوردن توازن میان منابع و جمعیت شیراز

قحطی شیراز: در شرایطی که ظلم و ستم مغولان در جریان بود، به مدت سه سال فارس دچار - کم‌بارانی شدید شد. این خشکسالی در اواسط دهه ۶۸۰ق رخ داد. گندم و دیگر مایحتاج مردم کمیاب شد. به نوشته وصاف الحضرة شیرازی، گندم حتی از یک خروار که صد دینار بود، به خرواری یک هزار و دویست دینار یعنی دوازده برابر رسید. در سال ۶۸۰ق به دلیل کمبود شدید، با همین مبلغ نیز به صورت مخفیانه خرید و فروش می‌شد. در پی این خشکسالی، کمبود و قحطی فارس را فراگرفت و در همین احوال هجوم ملخ نیز واقع شد؛ چنانکه بسیاری از مردم برای زنده ماندن ملخ می‌خوردند. یا اگر کسی گوسفندی می‌کشت، برخی افراد خون آن را برای تهیه غذا درخواست می‌کردند. در نتیجه این اوضاع عده زیادی جان دادند؛ شمار تلفات مردم در این سه سال در شیراز و اطراف آن را تا صد هزار تن ذکر کرده‌اند (وصاف، ۱۲۶۹: ۲۱۸-۲۱۷). مسلماً در یک بلای طبیعی همچون قحطی علاوه بر اینکه کمبود مواد غذایی و سوء تغذیه و بیماری موجب کاهش جمعیت است، پدیده مهاجرت که پیامد قحطی است نیز باعث سیر نزولی جمعیت می‌شود.

ج) بیماری‌های واگیردار همچون وبا و سرخچه

در همین ایام، قحطی و وبای عظیمی در فارس رخ داد. (ابن فوطی، ۱۳۵۱: ۵۰۰). در سال ۶۹۸ق، به مدت سه سال بر اثر عدم بارندگی، شیراز و نواحی اطراف آن دچار خشکسالی شد. پس از آن در فصل بهار، بیماری وبا و سرخچه شایع شد

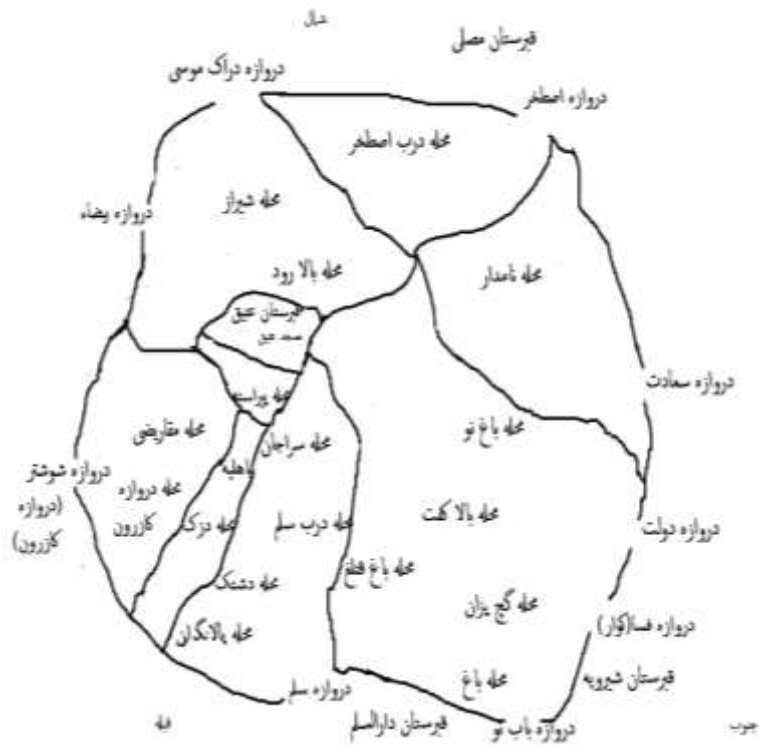
کربال که گفته می‌شد مهاجمان از آن سمت می‌آیند، بفرستند. عاقبت در لب رود کر لشکر فارس (شیراز) و نکودریان به هم رسیدند. مغولان نکودری دست به حمله زدند و عده‌ای را کشتند و عده‌ای را در آب به تیر زدند. از مردم شیراز هفتصد جوان که تازه به لشکر وارد شده بودند کشته شدند (وصاف، ۱۲۶۹: ۲۰۲-۱۹۹). نکودریان «اشیا و حیوانات را غارت می‌کردند، پیرها را کشته و جوان‌ها را می‌گرفتند و سپس آن‌هایی را که برای آزادی‌شان پول نداشتند، همچون بردگان به فروش می‌رساندند» (مارکوپولو، ۱۳۷۳: ۹۰). به‌طور مسلم در این درگیری و حمله توسط نکودریان که مارکوپولو به کشته شدن پیران اشاره دارد، اگر در خانوار دو نفر کهن‌سال بوده باشد، باید گفت که عددی کمتر از یک‌سوم جمعیت تلف شده است. هنوز خسارات و صدمات حمله اول نکودریان جبران نشده بود که بار دیگر در سال ۶۸۰ق به فارس سرازیر شدند؛ اما این بار به سمت شیراز جلو نیامدند بلکه گرمسیرات نکودریان به فارس تا سواحل را به باد غارت دادند. آنها عده زیادی را کشتند و یا به بردگی گرفتند. از آن‌پس در هر زمستان مردم فارس انتظار حمله مغولان نکودری را می‌کشیدند. پول زیادی نیز صرف ساختن برج و باروی شهرها و فراهم آوردن اسلحه می‌شد (وصاف، ۱۲۶۹: ۲۰۴ و ۲۱۵؛ بویل، ۱۳۷۱: ۳۴۱). بر طبق داده‌های تاریخی ذکر شده، در این حمله منجر به کشتار و قتل، از جمعیت شیراز کاسته شد و جمعیت سیر نزولی گرفت.

هجوم لشکر دوا: در سال ۶۹۹ق مصیبت دیگری نیز بر مردم فارس وارد شد و آن هجوم لشکر دوا از سمت خراسان بود. اینان نیز مانند مغولان نکودری می‌خواستند با حمله به سمت فارس و کرمان به ثروت برسند. به همین جهت در سال ۶۹۹ق به طرف خراسان و سیستان و سپس کرمان آمدند. آنها در کرمان چندین جنگ انجام دادند و پس از قتل و غارت در سال ۶۹۹ق به فارس رسیدند. این زمان ساداق ترخان مغول، حاکم فارس بود. به دستور او مردم دروازه‌های شهر را بستند و مشغول فراهم کردن اسلحه برای دفاع شدند. برای آنکه مهاجمان مرعوب شوند، شب‌ها بر فراز خانه‌ها و دیوارهای شهر، آتش روشن می‌کردند. مهاجمان به شهر

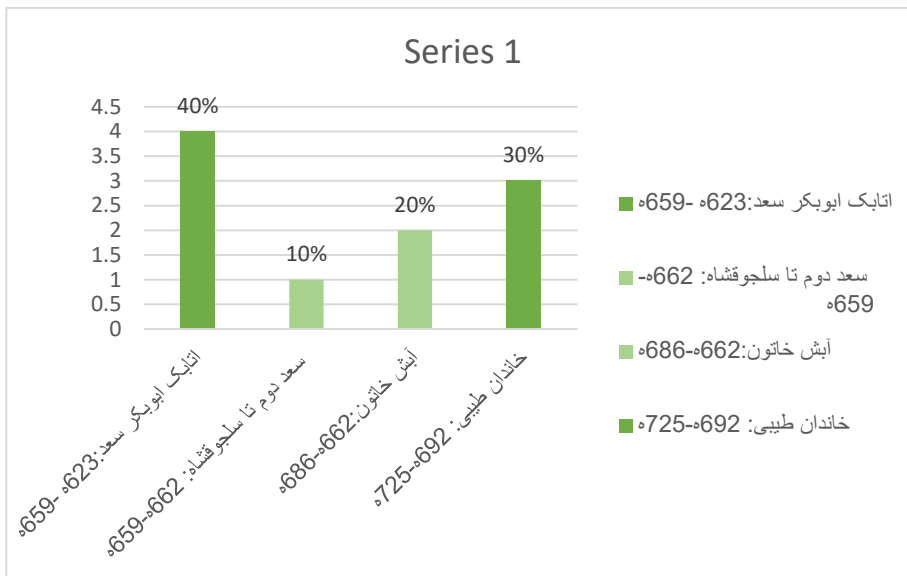
شمس‌الدین تازیکو اجاره‌دار مالیات فارس شد. وی پس از اجاره کردن مالیات فارس، مأموران خود را برای جمع‌آوری مالیات به شهرها و روستاها فرستاد. مأموران شمس‌الدین به‌زور دکان‌داران را وادار می‌کردند که آنها را خریداری کنند؛ آن‌هم به قیمتی که مأموران می‌خواستند. این شیوه خرید اجباری را «طرح» می‌نامیدند. (وصاف: ۱۹۸؛ لین، ۱۳۸۹: ۲۱۱-۲۱۲). درباره عملکرد محصلان و متصرفان شیراز در عهد ارغون آمده که چگونه مردم را از عام و خاص مورد عقوبت قرار می‌دادند و اموال آنان را مصادره می‌کردند (وصاف، ۲۲۵). وصاف نمونه جالبی از انحطاط محصولات کشاورزی در ناحیه فارس را عرضه می‌کند؛ منطقه کربال یکی از مناطق بسیار حاصلخیز محسوب می‌شد و به‌وسیله نهرهایی از رودخانه کر و دو سد آن (بند امیر و بند قصاره) آبیاری می‌شد. محصول گندم کربال که در زمان دیلمیان هفتصد هزار خروار بود، در زمان اتابک ابوبکر به سیصد هزار خروار و در زمان مغول به چهل‌ودو هزار خروار کاهش یافت. تولید غله در نواحی دیگر فارس هم به همین طریق کاسته شد.

و پزشکان از معالجه عاجز شدند. وصاف این تلفات را بیش از ۵۰ هزار تن و در جایی دیگر کاهش جمعیت آن منطقه را دو دانگ یعنی ثلث سکنه آن می‌داند که در نتیجه این قحطی یا مرده بودند یا جلای وطن کرده بودند (وصاف، ۱۳۳۸: ۳۰۹، ۳۶۳). بدون شک بیماری‌های واگیردار یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش جمعیت در سراسر حیات بشر بوده است. این حادثه به‌طور یقین تأثیر بسیار مهمی را در کاهش جمعیت شیراز در این دوره داشته است.

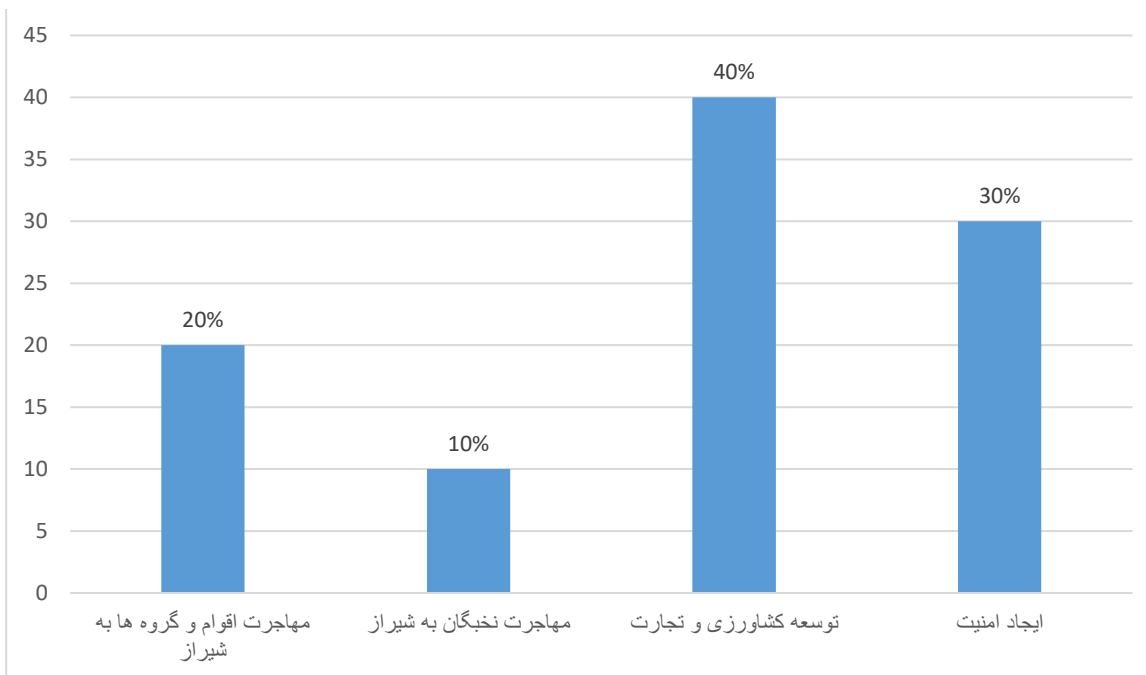
د) رکود کشاورزی و فشار مالیاتی: بحران منابع و جمعیت
یکی دیگر از عوامل بسیار مهمی که از نوزایی اقتصادی مملکت جلوگیری و به فروپاشی اقتصادی کمک می‌کرد، سیاست مالی ایلخانان بود. این سیاست به‌شدت بر دوش دهقانان سنگینی می‌کرد؛ چراکه مالیات‌ها دقیقاً برآورد نشده بود و به شیوه دلخواهی اعمال می‌شد و در هر سال بیش از چند بار جمع‌آوری می‌گشت و مقدار آن نیز دلخواهی تعیین می‌گردید (پطروشفسکی، ۱۳۶۶: ۱۳). در سال ۶۷۶ ق



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی: دروازه‌ها و محلات شیراز



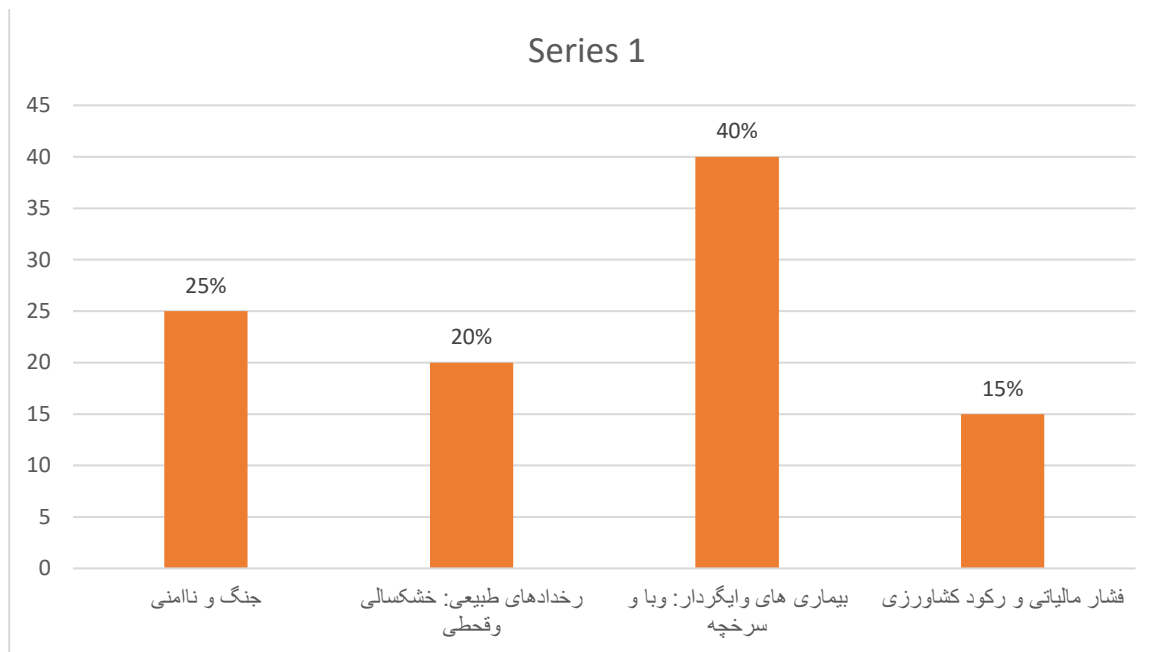
نمودار ۱. افزایش و کاهش جمعیت در دوره مغول^۱



نمودار ۲. میزان تأثیرگذاری عوامل رشد جمعیت شیراز در دوره مغولان

۱. بیان و تأکید این نکته از سوی نگارندگان این مقاله لازم و ضروری است که این نمودارها و درصدهای عددی آن با توجه به اینکه رخدادهای تاریخی قابل تجربه و مشاهده مستقیم نیستند و تکرارناپذیرند، تقریبی است و داده‌های جمعیتی موضوع با توجه به داده‌ها و یافته‌های تاریخی، دارای آمار دقیقی نیستند و تخمین زده شده‌اند.

۱. بیان و تأکید این نکته از سوی نگارندگان این مقاله لازم و ضروری است که این نمودارها و درصدهای عددی آن با توجه به اینکه رخدادهای تاریخی قابل تجربه و مشاهده مستقیم نیستند و تکرارناپذیرند، تقریبی است و داده‌های جمعیتی موضوع با توجه به داده‌ها و یافته‌های تاریخی، دارای آمار دقیقی نیستند و تخمین زده شده‌اند.



نمودار ۳. رابطه منابع و جمعیت: میزان تأثیرگذاری عوامل کاهش جمعیت شیراز در دوره مغولان

نتیجه‌گیری

به صورت شهرنشینی و چه روستانشینی تجربه کرده بودند. پس ورود مغولان کم‌شمار فقط مستلزم جا دادن به آنها بود نه آغاز تغییرات جمعیتی.

برای پژوهشگر، تخمین زدن میزان جمعیت شیراز در طول قرن هفتم قدری دشوار است؛ زیرا شواهد چندانی از وضعیت جمعیت در دست نیست. در طول این قرن، در کنار بلاهای طبیعی و بیماری‌های واگیردار، جنگ و ناامنی (جنگ‌های جانشینی، قیام اتابک سلجوق شاه، قیام سید شرف‌الدین، هجوم نكودریان) نیز از مهم‌ترین عوامل کاهش جمعیت بود. به نظر می‌رسد که بیشترین میزان کاهش جمعیت در اواخر این قرن رخ داد؛ زیرا علاوه بر تأثیر جنگ در طی این سال‌ها، قحطی، وبا و سرخچه بر رشد جمعیت تأثیر منفی گذاشت. چنانکه در قحطی دهه ۶۸۰ق، نزدیک به صد هزار نفر تلف شدند. از طرف دیگر به دلیل خشکسالی‌ها، بیماری‌های واگیردار و نبود امنیت، کشاورزی و تجارت دچار رکود شد.

تحلیل مربوط به شواهد جمعیتی نشان می‌دهد که بیشترین میزان جمعیت شیراز مربوط به دوره سی‌ساله اتابک سعد است، زیرا به دلیل امنیت و آرامش شیراز و نظم و آسایشی که اتابک سعد و اتابک ابوبکر به وجود آورده بودند، بسیاری از فراریان از حملات مغولان به شیراز وارد شدند. همچنین راه‌ها امنیت بیشتری یافت و اقتصاد و تجارت در فارس و خلیج فارس رونق بیشتری گرفت. بنابراین رفت‌وآمد تجاری از خلیج فارس به شیراز رونق گرفت. با نگاهی به وضعیت تجاری، افزایش یا کاهش جمعیت در دوره مورد بحث درخور توجه است. در دوره اتابک سعد توسعه تجارت با افزایش جمعیت همگام بود. همچنین در این دوره شیراز بیش از هر زمان دیگر شاهد هم‌نشینی جمعیت‌های مقیم و مهاجر و تلفیق اقتصاد شهری و عشایری بود که با حضور هرچند اندک تعداد مغولان صورت گرفت؛ زیرا این تحولی بود که از قبل از هجوم مغول در فارس آغاز شده بود. ترکمانان سلغری و در مقدمه آنها ترکمانان سلجوقی بیش از دو قرن بود که در فارس مستقر شده بودند و در مجاورت لرها، شولها، شبانکاره‌ها و دیلمی‌ها حیات مشترکی را چه

منابع

- ابن بطوطه، (۱۳۷۶). *سفرنامه ابن بطوطه*. ترجمه دکتر محمدعلی موحد، تهران: نشر آگه.
- ابن فوطی، کمال‌الدین ابوالفضل (۱۳۵۱). *الحوادث الجامعة و التجارب النافعه فی المائۀ السابعة*، بغداد: المكتبة العربية.
- ابن عنبه، جمال‌الدین احمد (۱۳۶۳). *الفصول الفخریه*، به اهتمام سید الجلال محمد ارموی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابوفداء، عمادالدین اسماعیل (۱۳۴۹). *تقویم البلدان*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- افسر، کرامت‌اله (۱۳۷۴). *تاریخ بافت قدیم شیراز*. تهران: قطره.
- بویل، جی. آ. (۱۳۷۱). *تاریخ دودمانی و سیاسی ایلیخانان*، جلد ۵، گردآورنده جی. آ. بویل، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- (۱۳۸۰). *اوضاع اجتماعی، اقتصادی ایران در دوره ایلیخانی، تاریخ ایران کمبریج*، گردآوری جی. ای. بویل، ترجمه حسن انوشه، ج ۵، تهران: امیرکبیر.
- تنوی، احمد بن نصرالله و آصف‌خان قزوینی (۱۳۸۲). *تاریخ الفی، تاریخ هزارساله اسلام*، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، ج ۵ و ۶، تهران: علمی و فرهنگی.
- جنید شیرازی، معین‌الدین ابوالقاسم (۱۳۲۸). *شالازار فی حط الاوزار عن زوارالمزار*. تصحیح و تحشیه محمد قزوینی و عباس اقبال، تهران: چاپخانه مجلس.
- جوزجانی، منہاج سراج (۱۳۶۳). *طبقات ناصری (تاریخ کامل ایران و اسلام)*، به تصحیح عبدالحی حبیبی، چاپ اول، تهران: دنیای کتاب.
- حافظ، خواجه شمس‌الدین (۱۳۷۲). *دیوان حافظ شیرازی*. براساس نسخه تصحیح‌شده دکتر غنی و قزوینی، تهران: انتشارات گلبرگ.
- خسروی، محمدباقر (۱۳۷۴). *شمس و طغرا، تهران: کومش*
- خیراندیش، عبدالرسول (۱۳۹۴). *فارسیان در برابر مغولان*، تهران: آبادبوم.
- رازی، امین احمد (۱۳۴۰). *هفت اقلیم*، تصحیح جواد فاضل، ج ۳، تهران: ادبیه.
- رضوی، ابوالفضل (۱۳۸۹). *شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلیخانان*، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- زرکوب، احمد بن ابی‌الخیر (۱۳۹۰). *شیرازنامه*. تصحیح و توضیح اکبر نحوی، شیراز، مؤسسه فرهنگی و پژوهشی دانشنامه فارس.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۷). *از کوچه زندان*. تهران: سخن
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۸۵). *کلیات سعدی*. به تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: هرمس.
- سیف احمد (۱۳۹۴). *قرن گمشده (اقتصاد و جامعه ایران در قرن نوزدهم)*، ج ۳، تهران: نی.
- صاحب، (۱۹۶۵). *دفتر دلگشا، مقدمه و توضیحات رسول هادی‌زاده*، مسکو: دانش.
- عیسی بن جنید شیرازی (۱۳۶۴). *تذکره هزار مزار*؛ ترجمه شدالآزار مزارات شیراز»، تصحیح و تحشیه دکتر نورانی وصال، شیراز: کتابخانه احمدی.
- فرصت شیرازی، محمد نصیر (۱۳۷۷). *آثار عجم*. ج ۲. تصحیح و تحشیه از منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود (۱۳۸۰). *آثار العباد و اخبار العباد*. بیروت: دارصادر.
- قیس رازی، شمس‌الدین محمد (۱۳۹۴). *المعجم فی معاییر اشعار العجم*، به کوشش محمد رضائی، تهران: مجلس.
- کرمانی، ناصرالدین منشی (۱۳۶۲). *سمط العلی للحضرة العلیاء*. به تصحیح عباس اقبال، تهران: اساطیر.
- کیانی، محسن (۱۳۶۹). *تاریخ خانقاه در ایران*. تهران: طهوری.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۶۷). *جامع التواریخ*، به کوشش بهمن کریمی، تهران: اقبال.
- مارکوپولو (۱۳۶۳). *سفرنامه مارکوپولو معروف به ایل میلوئه*، ترجمه منصور سجادی و آنجلا دی. جیوانی رومانو، تهران: گویش.
- مستوفی قزوینی، حمداله (۱۳۶۲). *نزهة القلوب*. تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: دنیای کتاب.
- (۱۳۸۱). *تاریخ گزیده*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم* ترجمه علی نقی بهروزی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- نسوی، شهاب‌الدین محمد (۱۳۸۴). *سیرت جلال‌الدین منکبرنی*، تهران: علمی و فرهنگی
- لین، جورج (۱۳۸۹). *ایران در اوایل عهد ایلیخانان (رنسانس ایرانی)*، ترجمه ابوالفضل رضوی، تهران: امیرکبیر.
- همگر، مجد (۱۳۷۵). *دیوان مجد همگر*. به تصحیح احمد کریمی، تهران: ما.
- وصاف الحضرة شیرازی (۱۳۳۸). *تجزیه الامصار و تجرجه الاعصار (تاریخ و صاف)*. ج ۱، ۲ و ۳، تهران: کتابخانه ابن‌سینا و جعفری تبریزی.
- (۱۲۶۹ ه. ق). *تجزیه الامصار و تجرجه الاعصار (تاریخ و صاف)*. به کوشش محمدمهدی اصفهانی، بمبئی: چاپ شی.

مقالات

- خادمی، روح‌الله، کریمی، محمدحسین (۱۳۹۳). «جستجو در احوال و اشعار مجدالدین همگر». *آینه میراث*، شماره ۵۵، ص ۱۴۸-۱۱۳.
- میرجعفری، حسین (۱۳۷۰). «مغولان و سید شرف‌الدین ابراهیم»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، شماره ۲، صص-۴۶.

منابع لاتین

- Aigle, Denise, (2005) *Le Fars sous la domination Mongole: Politique et fiscalite (XIIIe -XIV s.)* Association pour l'avancement des etudes Iraniennes, paris.